

دوفصلنامه مطالعات تئودلنی / سال دوازدهم  
پاییز و زمستان ۱۳۹۶ شماره چهل و ششم

## بررسی و نقد ترجمه های معاصر از آیات ششم و هفتم سوره طارق

حمید قربان پور<sup>۱</sup>

### چکیده

ضرورت ارائه ترجمه دقیق، آسان و غیر معارض با یافته های قطعی علوم به جهت تبلیغ پیام قرآن به مخاطبان مسلمان و غیر مسلمان امری ضروری است. یکی از روش های تحقق این امر آسیب شناسی ترجمه های قرآن کریم است. از جمله آیاتی که معرکه آراء مفسرین شده است آیات شش و هفت سوره طارق است؛ که ارائه ترجمه های ناصواب و غیر دقیق از آن شائبه خطاپذیری قرآن کریم را نزد مخالفان و نو مسلمانان پدید آورده است. از این رو آسیب شناسی آیات مذکور با تکیه بر دو کلمه «صلب»، «ترائب»، هدف این تحقیق قرار گرفت. این بررسی نشان داد غفلت از قواعد و ضوابط خاص ترجمه، عدم استفاده از معادل های درست در زبان مقصد، غفلت از قواعد تفسیری، ذکر غیر اصولی اضافات صحیح تفسیری، آوردن اضافات تفسیری نادرست، عدم رعایت ساختارهای زبان مقصد، ترجمه نکردن همه ارکان آیات، عدم توجه به یافته های قطعی علوم و غفلت از همه ظرفیت های واژگانی زبان عربی، از مهمترین آسیب های ترجمه های معاصر از آیات مورد بحث است که رعایت آن ها در تهذیب ترجمه های آتی و تنزیه آیات از شائبه خطا و اشتباه و ارائه ترجمه هایی درست به مخاطبین امری بایسته و ضروری است.

**کلیدواژه ها:** صلب، ترائب، ماء دافق، ضوابط ترجمه، آسیب شناسی ترجمه

## مقدمه

از آنجا که قرآن کریم به زبان عربی نازل شده است و امکان یادگیری این زبان برای همه مخاطبان آن، به دلیل محدودیت های زمانی، توان علمی و ... میسر نمی باشد، جهت رساندن پیام این کتاب آسمانی، امر ترجمه ضروری به شمار می آید. منتها با توجه به اینکه در برخی از آیات قرآن نکات و اشارات علمی مورد توجه قرار گرفته و از سویی پیشرفت روز افزون علوم افق هایی تازه پیرامون پدیده های این جهان پیش چشم مخاطبان می گشاید، ارائه ی ترجمه دقیق و علمی، متناسب با دانش روز و غیر مغایر با پیشرفت های علمی امری مهم و حیاتی است؛ زیرا عامه مخاطبان قرآن به ویژه نومسلمانان و نوایمانان از طریق ترجمه با معارف قرآن آشنا می شوند. در نتیجه ارائه ترجمه های علمی و دقیق و غیر مغایر با داده های علمی زمینه ساز گسترش پیام اسلام و بیشتر شدن دامنه اثر گذاری قرآن است. در مقابل ارائه ی ترجمه های ناصحیح و غیر دقیق، زمینه ساز ایراد اشکالات و ابهامات به قرآن کریم می شود. یکی از آیاتی که ظاهراً در بردارنده نکته علمی پیرامون مسئله آفرینش انسان ها است و ترجمه ناصحیح آن زمینه ساز ایراد اشکالات متعدد به قرآن کریم، من جمله وجود خطای علمی در آیات قرآن، عصری بودن آیات قرآن، اشمال قرآن بر فرهنگ ناقص زمانه و مسائلی از این دست شده است، آیات ششم و هفتم سوره طارق است. نگارنده در این مقاله بر آن است تا با آسیب شناسی ترجمه های معاصر از آیه فوق نشان دهد آنچه که در آیه فوق مستمسک مخالفان و معاندان و دگراندیشان در طعن و نقد به آیات قرآن شده است، ترجمه آیات قرآن است و نه متن و نص صریح آیات قرآن کریم.

شایان ذکر است که این بررسی در دو بخش صورت می پذیرد که عبارت است از: الف: آسیب شناسی فنی ترجمه های معاصر (عام): که منظور از آن بررسی و نقد ترجمه های معاصر از آیه ششم و هفتم سوره طارق است، از آن حیث که ضوابط و اصول فنون ترجمه را رعایت کرده اند یا نه؟ ب. آسیب شناسی علمی ترجمه های معاصر (خاص) بدان معنا که در بررسی

### بررسی و نقد ترجمه‌های معاصر از آیات ششم و هفتم سوره طارق ۱۲۵

ترجمه‌های معاصر از آیه فوق معلوم شود که آن‌ها با آموزه‌های علمی مغایرت دارند یا نه. بدیهی است که حین بحث، این بخش‌ها قابلیت در هم آمیختگی در موضعی دارند.

۱- آسیب شناسی فنی ترجمه‌های معاصر از فقره «خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ» (طارق، ۶) ترجمه‌های معاصر از منظرهای گوناگونی می‌توانند مورد نقد و بررسی قرار بگیرند. لذا یک ترجمه ممکن است از جهاتی دارای نکات مثبت و از جهاتی دارای نکات منفی باشد و این دو نگاه به دلیل تفاوت منظرها منافاتی با هم نداشته باشند. لذا منظور از عنوان فوق بررسی و نقد ترجمه‌های معاصر از آیه ششم و هفتم سوره طارق است، از آن حیث که ضوابط و اصول فنون ترجمه را رعایت کرده اند یا نه؟ منتها پیش از بررسی ترجمه‌های گوناگون مترجمان از فقره مذکور، درنگی لغوی و تفسیری پیرامون فقره‌ی مذکور بایسته است.

#### ۱-۱- معنای لغوی و اصطلاحی دافق

این کلمه از ریشه «دفع» و به معانی چون: ریزش ناگهانی (فراهیدی، ۱۲۰/۵)، جریان و ریزش (ابن منظور افریقی، ۹۹/۱۰)، جریان شدید (راغب اصفهانی، ۳۱۶)، ریزش به شدت (مصطفوی، ۲۲۷/۳) آمده است که تمامی این معانی را می‌توان در معنای جهیدن خلاصه کرد. مفسران نیز پس از بیان معنای لغوی این کلمه، که همان ریزش شدید آب فراوان است، مراد از آن را همان نطفه‌ای دانسته‌اند که فرزند از آن خلق می‌شود و خاصیت جهش دارد (طوسی، ۳۲۴/۱۰؛ طبرسی، ۷۱۳/۱۰ و ۷۱۵؛ علی بن ابراهیم قمی، ۴۱۵/۲؛ فیض کاشانی، ۳۱۳/۵؛ بحرانی، ۶۳۱/۵؛ فضل الله، ۲۸۲/۲۴؛ مکارم شیرازی، ۳۶۴/۲۶؛ نجفی خمینی، ۱۸/۲۴۳). واضح است که منظور از «ماء دافق» که انسان از آن خلق شده است، منی یا هورمون جنسی مردانه است. به دلیل اینکه امر به نظاره کردن به آنچه که انسان از آن خلق شده است در آیه قبل «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانَ مِمَّا خَلَقَ» (طارق، ۵)، تنها در صورتی امکان وقوع و تحقق دارد که منظور از آن همان معنای پیشگفته باشد؛ چرا که نظر کردن به هورمون جنسی زنانه در آن زمان و هم در این دوران با چشم غیر مسلح امکان نداشته و ندارد. لذا انسان‌ها درکی از

نوع حرکت هورمون جنسی زنانه نداشته و ندارند. این امر پس از گذر زمان های متعدد و طولانی و با توجه به پیشرفت های علمی ممکن شده است. آنچه که دست آورد پژوهش های جدید است آن است که بانوان اصلاً در فرایند رابطه زناشویی و لذت جنسی، انزالی به مانند مردان نداشته و هورمون های جنسی آن ها نه از طریق انزال، بلکه از طریق تخمک گذاری و قرار گرفتن در مسیر مجاری فالوپ صورت می پذیرد. فرایندی که نه قابل مشاهده با چشم عادی است؛ و نه دارای جهش (قرشی، ۱۲/۱۷۸). بنابراین امر به نظر و تدبّر و تأمل در ماده خلقت آدمی، شامل هورمون جنسی بانوان نمی شود. همچنانکه این سخن مفسران نیز که آیه را بدین گونه توضیح داده اند که هر مولودی تلفیقی از دو نطفه به هم آمیخته است، و اگر در آیه گفته شده «ماء» و نه «مائین»، به دلیل آن است که این دو آب پس از تلفیق یکی شده و یک آب به حساب می آیند (صدرالمतालہین (ملا صدرا)، ۷/۳۳۵ (به صورت قیل)؛ طبرسی، ۴/۴۷۴؛ قمی مشهدی، ۱۴/۲۲۵؛ طیب، ۱۴/۷۷) نادرست است. زیرا اگر چه که در واقعیت انسان مولود تلفیق اول و اسپرماتوزوئید (هورمون جنسی بانوان و هورمون جنسی آقایان) است، اما نص آیه در پی وصف نطفه مردان است و نه ترکیب این دو هرمون؛ زیرا این ترکیب جهشی ندارد. نیز وصف موجود در آیه هفتم شامل حال آن نمی شود، یعنی این معنا با سیاق آیه بعدی مغایرت دارد. چرا که در آیه بعدی به محل خروج این آب اشاره کرده است و آب ترکیب یافته از هورمون جنسی مردان و زنان نمی تواند از میان صلب و ترائب، با هر تفسیری که گفته شود؛ خارج شود. جدای از اینکه این ترکیب قابل مشاهده نیست.

#### ۱-۲- آسیب شناسی فنی ترجمه های معاصر از فقره «خُلِقَ مِنْ مَاءٍ دَافِقٍ» (طارق، ۶)

با توجه به اینکه عبارت «ماء دافق» ناظر به منی مردان است، بدیهی است که قسمت اول آیه درباره ی این مسئله سخن می گوید. با توجه به این معنا نقد و بررسی ترجمه های معاصر از این بخش از آیه را پیش روی خوانندگان قرار خواهیم داد. از آنجا که این قسمت از آیه ابهام و اجمال چندانی ندارد، آسیب شناسی ترجمه های معاصر بیشتر پیرامون بعد فنی ترجمه ها، یعنی

### بررسی و نقد ترجمه‌های معاصر از آیات ششم و هفتم سوره طارق ۱۲۲۱۱۱

رعایت ضوابط و قواعد ترجمه ای خواهد بود و نه بعد علمی آن. آسیب های ترجمه های معاصر در ترجمه فقره مذکور چند دسته است که عبارت است از:

#### ۱-۲-۱- ترجمه نکردن تمام فقرات آیه

یکی از ضوابط ترجمه، بنا به اصل امانت داری، وفاداری به متن و ترجمه همه ارکان جمله است (رضایی اصفهانی، ۲۰۸؛ همو، ۱-۱۳۰؛ فقهی زاده، ۸-۲۴؛ جواهری، ۱۰۹-۸۹). نگاهی به ترجمه های پورجوادی، دهلوی، مجلد (ترجمه مجدد ترجمه ی منظوم است) و پرتوی از قرآن، نشان می دهد که اینان فعل «خُلِقَ» در آیه مذکور را ترجمه نکرده اند؛ بلکه آیه را اینگونه ترجمه کرده اند: «از آبی جهنده». یعنی ترجمه های مذکور کاستی داشته و بخشی از فقره آیه ی مذکور، یعنی فعل «خُلِقَ» را ترجمه نکرده اند. بدیهی است حذف عمدی فرازهایی از یک متن در ترجمه آن، با اصول علمی و اصل حفظ امانت در ترجمه مغایر است. حذف غیر عمدی نیز می تواند ریشه در تساهل داشته باشد که خود امری مذموم است.

#### ۱-۲-۲- عدم توجه به معادل مناسب در زبان مقصد

با توجه به اینکه انتخاب معادل مناسب در زبان مقصد نیز اصلی از اصول ترجمه است (رضایی اصفهانی، ۱۷-۲۱۶؛ همو، ۴۰-۱۳۹). این اصل را برخی در قالب اهمیت آشنایی کامل با زبان مقصد بیان کرده اند (جواهری، ۲-۸۰؛ فقهی زاده، ۱۴-۱۳) عدم توجه به این قاعده نقطه ضعف دیگر برخی دیگر از ترجمه های معاصر از آیات مورد بحث است. مشاهده ترجمه های موسوم به ترجمه تفسیر آسان، بروجردی، پاینده، گلی از بوستان خدا و فولادوند نشان می دهد، اینان فعل مذکور «خُلِقَ» را ترجمه کرده اند، اما در ترجمه فعل «خُلِقَ»، از همان ماده «خلق» و «خلقت» استفاده کرده اند. این ترجمه ها بدین شرح اند:

از آب جهنده **خلق** شده است (تفسیر آسان) // از آب نطفه جهنده **خلق** شده (بروجردی) // از آبی جهنده **خلق** شده (پاینده) // از یک آب جهنده **خلق** شده (گلی از بوستان خدا) // از آب جهنده ای **خلق** شده (فولادوند). این در حالی است که یکی از ضوابط ترجمه ای آن است که

در ترجمه متنی از یک زبان به زبان دیگر، باید حتی المقدور از معادل های زبان مقصد استفاده کرد. بنابراین با توجه به وجود معادل در زبان فارسی، می شد از فعل آفریدن استفاده کرد. این ترجمه ها تفاوت های دقیق دیگری نیز دارند. در ترجمه بروجردی، پاینده، گلی از بوستان خدا و فولادوند فعل «است» ترجمه نشده است. نیز کلمه «نطفه» در ترجمه بروجردی و کلمه «یک» در ترجمه گلی از بوستان خدا به نظر اضافه است.

### ۱-۲-۳- عدم توجه به ساختارهای دستوری زبان مقصد

از لوازم توجه به ویژگی های زبان مقصد که مورد توجه برخی محققان قرار گرفته است (رضایی اصفهانی، ۹-۲۲۸) رعایت الزامات دستوری زبان مقصد در ترجمه است. در این میان برخی ترجمه ها چون ترجمه موسوم به روشن، با لحاظ ساختار جمله فعلیه در آیه، آن را به «خلق شده از آب جهنده» ترجمه کرده اند. یعنی وی جدای از اینکه فعل «است» را ترجمه نکرده و از معادل فارسی فعل «خلق» استفاده نکرده است، ساختار جمله در زبان مقصد را نیز رعایت نکرده است. چرا که در زبان فارسی شروع جمله با حالت فعلیه و رها کردن انتهای آن بدون فعل پایانی متداول و خوش خوان نیست. برخی ترجمه ها مانند ترجمه ی ارفع، المیزان، صفارزاده، فیض الاسلام، مجتبیوی علی رغم ترجمه فعل «خُلِقَ» و استفاده از معادل فارسی آن یعنی «آفریدن»، ترکیب فعلی را ناقص ذکر کرده اند و از معادل «از آبی جهنده آفریده شده» استفاده کرده اند و فعل «است» را ترجمه نکرده اند. (البته صفارزاده با ترجمه «از یک آب جهنده آفریده شده»، کلمه «یک» را اضافه کرده است و فیض الاسلام نیز با ترجمه «از آب جهنده ای آفریده شده» ترجمه اندک متفاوتی با سایر ترجمه ها ارائه کرده است). همچنانکه برخی هم مانند اشرفی و حلبی، رهنما، احسن الحدیث، سراج، روان جاوید، شعرانی، یاسری، مصباح زاده، ترجمه قرن دهم هجری، همان ترجمه ارفع و نظائر آن را بدون توجه به ساختار زبان فارسی و در قالب زبان عربی ارائه کرده اند؛ یعنی به سان ترجمه موسوم به روشن، در عدم لحاظ کردن ساختار جمله مقصد، ترجمه را با جمله فعلیه «آفریده شده از آبی جهنده» ارائه

### بررسی و نقد ترجمه‌های معاصر از آیات ششم و هفتم سوره طارق ۱۲۹۱۱۱

کرده اند. (این ترجمه ها تفاوت های اندکی نیز با هم دارند. سراج در ترجمه خود، فعل «است» را ذکر کرده است «آفریده شده است از آبی جهنده». ترجمه روان جاوید آبی جهنده را «آب جهنده ای» ترجمه کرده است. ترجمه شعرانی نیز «آفریده شد» است و نه «آفریده شده». بانو نصرت نیز با ترجمه «خلق گردیده شده از آبی که جستن میکند»، جمله را فعلیه، صفت «دافق» را هم به صورت فعل و آیه را با ادبیاتی غیر امروزی ترجمه کرده است).

#### ۱-۲-۴- آشفستگی در ارائه اضافات توضیحی و تفسیری

بدیهی است که در مواردی از ترجمه، مترجم ناگزیر از ارائه توضیحاتی جهت تبیین و تفهیم بیشتر مفاد آیات است. قاعده اصلی در این مورد جداسازی متن از توضیحات اضافی با استفاده از پرانتز است (رضایی اصفهانی، ۲۰۹). البته که واضح است که این توضیحات باید ضروری باشند و ثانیاً روند یکنواختی در ارائه آنها وجود داشته باشد. همانکه از آن با عنوان همگونی در ترجمه یاد می شود (همو، ۶-۱۳۴). توجه به ترجمه های معاصر در این زمینه نکات جالبی را پیش روی خوانندگان می گذارد.

برخی چون الهی قمشه ای با ارائه ترجمه ی «از آب نطفه جهنده ای خلقت گردیده» مرتکب سه اشتباه شده اند:

از عبارات اضافی «نطفه» در ترجمه استفاده کرده اند. فعل «است» را ترجمه نکرده اند. نیز عباراتی ناهمخوان با نثر امروزی یعنی فعل «خلقت گردیده» استفاده کرده اند. در حالیکه توجه به نثر معیار و ادبیات پیشرفته به عنوان قاعده ای مهم در ترجمه (رضایی اصفهانی، ۱۵-۲۱۳) ضرورت بازبینی چنین ترجمه هایی در دوران معاصر را ضروری می سازد. دو اشتباه نخست قمشه ای در ترجمه بروجردی نیز به چشم می خورد (ترجمه وی از آیه چنین است: «از آب نطفه جهنده خلق شده»). اضافات برخی دیگر از مترجمان همچون حجه التفاسیر، افزودن واژه مرد در ترجمه «آفریده شده است از آب جهنده مرد» است. بدیهی است که کلمه رجل در آیه ذکر نشده تا بتوان در برگردان از واژه مرد استفاده بشود. ضمن اینکه واضح است آب

جهنده از آن مرد است نه زن. اضافات برخی از مترجمان نیز به گونه ای است که همخوانی چندانی با نص صریح آیه مذکور ندارد. نویری آیه مذکور را چنین ترجمه کرده است: «انسان از آب «منی» که از صلب پدر به رحم مادر می‌ریزد خلق شده است». معلوم است واژه های انسان، منی، جمله «که از صلب پدر به رحم مادر می‌ریزد» از اضافات و افزوده های مترجم است که می‌بایست داخل گروه می‌آمد. اشکال دیگر وی ترجمه فعل «خُلِقَ» به همان فعل است. همچنانکه صفت «دافق» نیز از ترجمه ساقط شده است. یعنی این ترجمه هم افزودنی های نابجا و هم کاستی هایی نابجا دارد.

برخی دیگر چون کاویان پور با ارائه ترجمه «او از آبی جهنده آفریده شده است» ضمیر او را در ابتدای جمله اضافه کرده اند (عاملی نیز با اندک اختلافی همین ترجمه را ارائه کرده است. «او از آبی جهنده آفریده شد»). وی هم ضمیر او را اضافه کرده است. فعل جمله نیز از نظر آهنگی قابلیت خوانش فعل ماضی را دارد).

برخی هم گلی از بوستان خدا، صفارزاده، مکارم، ترجمه تفسیر جوامع الجامع، واژه «یک» را قبل از کلمه «آب» استفاده و آیه را «از یک آب جهنده ...» ترجمه کرده اند. که با توجه به نکره بودن کلمه «ماء» به نظر زائد می‌باشد. و افزودن «یای» نکره به واژه «آب»، مناسب تر به نظر می‌رسد.

برخی هم از عبارات توضیحی داخل پرانتز استفاده کرده اند. برخی از توضیحات چون توضیحات خسروی با ارائه ترجمه ای چون: «از آب جهنده ای آفریده شده است (یعنی منی مرد که می‌جهد و در رحم زن قرار می‌گیرد و فرزند می‌شود» درست به نظر می‌رسد. اما توضیحات آیت الله مشکینی که آیه را به شکل «از آبی جهنده (مختلط از زوجین) آفریده شده است»، نادرست است. ذکر توضیح داخل پرانتز خود یک نکته مثبت است. تا توضیح تفسیری یا نکته مترجم از نص آیه جدا شود. اما اضافات توضیحی یا تفسیری باید صحیح هم باشد. مشکینی با ذکر توضیح مختلط از زوجین خواسته بگوید ماده خلقت انسان ترکیبی از اسپرم



### بررسی و نقد ترجمه‌های معاصر از آیات ششم و هفتم سوره طارق ۱۳۱۱۱۱

مردانه و هورمون جنسی زنانه است. این نکته اگر چه که در جای خود درست است، اما آیه از بیان چنین نکته ای ساکت است؛ زیرا دافق صفت هورمون جنسی مردانه است نه هورمون جنسی زنانه و نه ترکیبی از اوول و اسپرماتوزوئید.

اشتباهات برخی دیگر از ترجمه های معاصر به گونه ای است که تلفیقی از چندین و چند اشتباه است. این خطاها عبارتند از:

برخی چون تشکری، بنا به دلالتی چون محدودیت وزن شعری و... اشتباهات ذیل را در ترجمه «آفریدش ز آبی آن داور» مرتکب شده اند: به اشتباه فعل مجهول «خُلِقَ» را به فعل ماضی «آفریدش» ترجمه کرده است (ترجمه تفسیر طبری نیز با اندک اختلافی مرتکب همین اشتباه شده است. زیرا وی آیه را به «آفرید (ندش) از آبی جهنده» ترجمه کرده است. ضمن اینکه فعل «است» و قالب جمله اسمیه معادل فارسی نیز در آن رعایت نشده است. همچنانکه فعل مجهول مفرد را معلوم و به صورت جمع ترجمه کرده است که بس اشتباه است). صفت «دافق» را نیز اصلاً ترجمه نکرده است. ساخت مجهول آیه را به صورت جمله معلوم و با ذکر فاعل ترجمه کرده است که بسی اشتباه است.

ترجمه روض الجنان با ارائه ترجمه «آفریدند او را از آبی جهنده» نیز مرتکب چهار اشتباه شده است: اولاً اینکه فعل را معلوم ترجمه کرده است. ثانیاً مفعول جمله را در جمله ذکر کرده است. ثالثاً ساختار جمله فعلیه در متن آیه را در ترجمه نیز اعمال کرده است، در حالی که بهتر بود در ترجمه فارسی جمله به صورت اسمیه ترجمه شود. رابعاً فعل مفرد خُلِقَ را به معلوم و به صورت جمع ترجمه کرده است.

برخی هم از معادلی در ترجمه استفاده کرده اند که از نظر وزنی قابلیت خوانش ناصحیح و معلوم خواننده شدن را دارد. ترجمه فارسی، در ترجمه مذکور از عبارت «از آبی جهنده آفریده شد» استفاده کرده است. برخی هم چون صفی علیشاه، معزی و نسفی همین ترجمه را

به صورت جمله فعلیه ترجمه کرده اند: «آفریده شد از آبی جهنده»، که ساختار جملات در زبان فارسی را رعایت نکرده اند. زیرا در فارسی در حالت اولیه، جمله بدون فعل پایان نمی یابد. برخی چون خواجوی در ترجمه آیه از معادل های ناصحیح استفاده کرده اند. ترجمه وی (از نطفه ای جهنده آفریده شده) ضمن تکرار اشتباه سائرین در ناقص ترجمه کردن ترکیب فعلی، از معادل ناصحیح نطفه در ترجمه ماء استفاده کرده است. زیرا اگرچه که منظور از ماء نطفه است، ولی در آیه مذکور باید از برگردان «ماء» استفاده کرد. می شد برای تصریح به این معنا از پرانتز برای ذکر کلمه نطفه استفاده کرد.

برخی هم اضافات توضیحی داخل پرانتز و درستی را آورده اند. «ظاهری» در ترجمه خود از آیه مذکور «از آبی جهنده [و بی مقدار] آفریده شده است». قید توضیحی بی مقدار را برای منی آورده، که توضیحی مناسب و بجاست.

برخی هم چون «انصاریان، برزی، بیان السعاده، خسروی، گرمارودی، انصاری، رضایی» آیه را به درستی به «از آبی جهنده آفریده شده است» ترجمه کرده اند. یعنی این مترجمان:

- ۱- همه ارکان جمله، از جمله فعل «خُلِقَ» را ترجمه کرده اند.
- ۲- از معادل های صحیح استفاده کرده اند.
- ۳- ترکیب فعلی را کامل ترجمه کرده اند.
- ۴- ساختار زبان فارسی را در اسمیه ترجمه کردن جمله مذکور رعایت کرده اند.
- ۵- هیچ عبارت اضافه ای را در ترجمه وارد نکرده اند.
- ۶- از معادل های ناصحیح استفاده نکرده اند.
- ۷- از اضافات تفسیری نادرست (من جمله پیش فرض های علمی نادرست) هم استفاده نکرده اند.

۲- آسیب شناسی ترجمه های معاصر از فقره: «يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَ التَّرَائِبِ» (طارق، ۷)

## بررسی و نقد ترجمه‌های معاصر از آیات ششم و هفتم سوره طارق ۱۳۳۱۱۱

کلمات مورد بحث در آیه هفتم عبارتند از: «صلب و ترائب». از این میان کلمه صلب ظهور در انتساب به مردان دارد، اما واژه ترائب مورد اختلاف است. بسته به اینکه آن را مرتبط با مردان و یا زنان بدانیم ترجمه آیه فرق می‌کند. بنا بر این پیش از ورود به بررسی ترجمه‌های گوناگون باید پیرامون این دو واژه در آیه هفتم درنگی داشته باشیم.

### ۲-۱- معنای لغوی و اصطلاحی صلب

به اعتقاد برخی از لغویین اصل این واژه به معنای شدت است و به اعتبار این شدت به پشت انسان‌ها صلب گفته می‌شود (راغب اصفهانی، ۴۸۹). برخی نیز اگر چه به معنای شدت در آن توجه داده‌اند، بیشتر به ذکر مصادیق آن همچون پشت، ستون فقرات و ... اشاره کرده‌اند (فراهیدی، ۱۲۷/۷). برخی نیز به پشت و استخوان‌های پشت اشاره کرده‌اند (ابن منظور افریقی، ۵۲۶/۱؛ طریحی، ۱۰۰/۲). مصطفوی نیز پس از نقل اقوال لغویین و در جمع بندی اصل لغوی این کلمه آن را به معنای آنچه که مقابل نرمی است، دانسته است و شدت را آنچه که مقابل رخاء است دانسته و تمامی مصادیق آن را به اعتبارات گوناگون به همین معنا برگردانده است (مصطفوی، ۲۶۱/۶). ابن فارس آن را دارای دو اصل دانسته است. اصل اول را آن چیزی دانسته که دلالت بر شدت و قوت می‌کند و نامیدن پشت به صلب را به دلیل شدت و محکمی آن دانسته است (ابن فارس، ۳۰۱/۳، وی اصل دوم را به مغز استخوان معنا کرده است (همانجا)). برخی نیز پس از بیان مصادیق متعددی از آن، صلب را به «كُلُّ ظَهْرٍ لَهُ فَقَارٌ» معنا کرده‌اند (فیومی، ۳۴۵/۲). اگر چه که برخی از معاصران آن را در اصطلاح به مهره‌های پشت و مجاری و مراکز نطفه مرد تفسیر کرده‌اند (طالقانی، ۳۳۰/۳؛ قرشی، ۱۴۰/۴). با توجه به آنچه که گفته شد، به نظر می‌رسد واژه صلب در اصطلاح، در معنای پشت انسان‌ها ظهور دارد و در آیه مورد بحث با توجه به قرینه سیاق، منصرف به پشت مردان است.

### ۲-۲- معنای لغوی و اصطلاحی ترائب

کلمه ترائب را لغویین به این معانی دانسته اند: راغب این کلمه را به معنی استخوان های سینه دانسته است (راغب اصفهاتی، ۱۶۵). خلیل بن احمد فراهیدی آن را به معنای استخوان های بالای سینه تا ترقوه دانسته است (فراهیدی، ۸/ ۱۱۶؛ صاحب بن عباد، ۹/ ۴۲۹). ابن منظور آن را به معنای قسمت فوقانی سینه که محل آویخته شدن گردن بند است دانسته، که اجماع اهل لغت نیز بر این معناست (ابن منظور افریقی، ۱/ ۲۳۰) اگر چه که اقوالی را به صورت قیل نیز نقل کرده است (همان). به همین ترتیب طبرسی در مجمع البیان (طبرسی، ۱۰/ ۷۱۵) آیت الله مکارم در تفسیر نمونه (مکارم شیرازی، ۲۶/ ۳۶۵)، طریحی در مجمع البحرین (طریحی، ۲/ ۱۳-۱۲)، قرشی از متأخرین (قرشی، ۱/ ۷۰-۲۶۹) همین معنا را برای این واژه ذکر کرده اند (نیز نک: ابن اثیر، ۱۳۶۷ ش، ۱/ ۱۸۶). همچنین معانی چون: بین دو سینه (ابن کثیر، ۸/ ۳۶۸؛ طبرسی، همانجا)، استخوان سینه و گلوگاه (همان)، عصاره قلب (ابن کثیر، ۸/ ۳۶۹)، دست، چشم، پا و... (طبرسی، همانجا؛ ابن منظور افریقی، همانجا)، چیزهای جفت و مساوی در بدن انسان، که مصادیقی چون انگشتان دست دارند (ابن کثیر، همانجا؛ ابن منظور افریقی، ۱/ ۲۳۰؛ زبیدی، ۱/ ۳۲۳) برای این واژه بیان شده است. که البته به نظر می رسد منظور ضحاک ما بین دو سینه، چشم و دو پاست؛ چرا که سخن ضحاک که ابن کثیر آن را نقل کرده چنین است: «الترائب بین الثديین و الرجلین و العینین» (ابن کثیر، همانجا). همچنانکه ابن فارس در مقاییس اللغه، ضمن بیان دو معنا و اصل برای این کلمه، معنای دوم آن را تساوی دو شیء دانسته است (ابن فارس، ۱/ ۳۴۶). از متأخرین مرحوم مصطفوی پس از نقل اقوال مختلف در تبیین معنای ماده اصلی این کلمه (یعنی ترب) معنای اصلی این کلمه را مسکنت و خضوع کامل دانسته و معانی دیگر را از مصادیق آن دانسته است. آنگاه در تبیین معنای ترائب در آیه مذکور گفته است: «ترائب کنایه از دو استخوان تحتانی زیر ران است که به دلیل اینکه در پایین ترین محل قرار دارد اینگونه کنایه از آن آورده شده است» (البته معنای دیگری را نیز ذکر کرده با این بیان که: و أمّا خروج من بین الصلب و الترائب: فلعل المراد خروج من بین عظام الورك كالحرقفة و هی صلبة و من بین عضلات الورك و

### بررسی و تقدیر حمای معاصر از آیات ششم و نهم سوره طارق ۱۳۵

الفخذ و هي لينة منقادة (مصطفوی، ۱/ ۴ - ۳۸۳). و معنای استخوان سینه زنان را نادرست دانسته است (همانجا). همچنانکه زبیدی در تاج العروس به نقل از استاد خود این معنا را عام در مرد و زن دانسته است (زبیدی، ۱/ ۳۲۳). با توجه به آنچه که گفته شد، به دست می آید که اصل لغت ترائب به دو معنای خضوع و تسلیم و هر دو چیز مساوی در بدن گفته می شود و اکثر معانی و احتمالات گفته شده درباره آن استعملاتی در مصادیق آن باشند. از سویی دیگر با توجه به اینکه رجوع به دستاوردهای علم بشری و ضرورت تبیین علمی آیات، در مواردی که موضوع سخن از پدیده های طبیعی باشد، یکی از ضوابط و قواعد تفسیری به شمار می آید (رجبی، ۱۷ - ۳۱۵)؛ همچنانکه توجه به موضوع سخن و تمامی ابعاد آن نیز از جمله قواعد تفسیری است (بابایی، ۳ - ۱۷۰) و با توجه به اینکه امروزه با توجه به پیشرفت های علمی مسلم و محرز است که بانوان ترشحات جنسی بسان مردان نداشته و ندارند، همچنانکه منشأ ترشح هورمون های جنسی آنها سینه و استخوان های سینه نیست، و نیز ترشحات جنسی بانوان حالت جهشی که آیه از آن به دافق، تعبیر کرده، ندارد، و نیز این ترشح و حرکت آن (به هر شکلی که باشد) قابلیت مشاهده حسی با چشم غیر مسلح را نداشته و ندارد. و برای اینکه امر آیه مبنی بر نظاره کردن انسان در ماده خلقت ممکن و قابل وقوع باشد، به نظر درست تر آن است که آیه ناظر به مردان دانسته شود؛ بدان معنا که آیه شش و هفت این سوره را یکسره ناظر به مردان دانسته شود. یعنی دستور به نگاه کردن به مایع منی مردان است که هم جهش دارد، هم قابل مشاهده حسی است. و هم ماده اصلی خلقت انسان ها و عامل تعیین جنسیت آنهاست. از این روست که نظر آن دسته از مفسران که این آیات را به مردان تفسیر کرده اند، درست تر به نظر می آید. همچنانکه آیت الله مکارم در تبیین مرحله تکوین جنین انسان، منظور آیه را منی مرد که از بین پشت و پیش روی او خارج می شود دانسته اند. (مکارم، ۲۶/ ۳۶۷؛ نیز نک: طباطبایی، ۲۰/ ۲۶۰؛ قرشی، ۱۲/ ۱۷۷).

## ۲-۳- آسیب شناسی ترجمه های معاصر از فقره « یَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَ التَّرَائِبِ » (طارق، ۷)

منظور از این عنوان بررسی ترجمه های معاصر از آیه فوق از منظر مغایرت آن ها با اصول و ضوابط ترجمه ای است. از این رو ابتدا آسیب شناسی فنی ترجمه های معاصر از آیه مذکور مورد توجه قرار خواهند گرفت و سپس در ادامه با استناد به اقوال تفسیری و تجزیه و تحلیل آنها مغایرت یا عدم مغایرت آنها با اصول و ضوابط علمی سنجیده خواهد شد.

### ۲-۳-۱- آسیب شناسی فنی ترجمه های معاصر

اشتباهات فنی ترجمه های معاصر از بقره مذکور چندان زیاد نیست. عطف به اصول و ضوابط ترجمه ای که در بخش نخست گفته شد، خطاهای ترجمه ای مترجمان معاصر از آیه مورد بحث عبارتند از:

### ۲-۳-۱-۱- عدم توجه به ویژگی های زبان مقصد

برخی از ترجمه ها این قاعده رایج در زبان فارسی مبنی بر رهانکردن جملات بدون فعل پایانی را رعایت نکرده اند. ترجمه هایی چون اشرفی با ترجمه ای: «که بیرون می آید از میان پشت (پدر) و استخوانهای سینه مادر»، پرتوی از قرآن با ترجمه ای: «بیرون آید از بین صلب و ترائب»، حلبی با ترجمه ای: «که بیرون می آید از پشت پدر و استخوانهای سینه زن»، تفسیر خسروی با ترجمه ای: (این آب) بیرون می آید از صلب مرد (یعنی پشت و کمر مرد) و ترائب زن (که گفته اند بین سینه و دو پستان او است) (و از اختلاط این دو آب بچه بوجود می آید)، رهنما با ترجمه ای: «که بیرون می آید از پشت (مرد) و استخوانهای سینه زن»، روان جاوید با ترجمه ای: «که بیرون می آید از پشت و استخوانهای سینه»/تفسیر روشن با ترجمه ای: «خارج می شود از بین پشت سخت و نرمیها»، روض الجنان با ترجمه ای: «که بیرون آید از میان پشت و استخوانهای سینه»، سراج با ترجمه ای: «بیرون می آید آن از میان پشت مردان و استخوانهای سینه زنان»، شعرانی با ترجمه ای: «که بیرون می آید از میانه پشت و استخوانهای سینه»، معزن العرفان با ترجمه

### بررسی و نقد ترجمه‌های معاصر از آیات ششم و هفتم سوره طارق ۱۳۷۱۱۱

ی: «و بیرون می‌آید از پشت مردان و سینه زنان»، مصباح زاده با ترجمه‌ی: «که بیرون می‌آید از میان پشت (پدر) و استخوانهای سینه مادر»، یاسری با ترجمه‌ی: «که بیرون می‌آید از پشت مردان و استخوان سینه زنان»، ترجمه طبری با ترجمه‌ی: «که بیرون می‌آید از میان پشت پدر و سینه مادر»، دهلوی با ترجمه‌ی: «که بر می‌آید از میان پشت مرد و استخوان سینه زن» و معزی با ارائه ترجمه‌ی: «که برون آید از میان کمر و استخوانهای سینه»، به دلیل عدم پابندی به نثر معیار مرتکب این اشتباه شده‌اند. این در حالی است که التزام به نثر معیار در زبان مقصد از ضروریات ترجمه است.

### ۲-۱-۳-۲- غفلت از معانی لغوی و اصطلاحی لغات

برخی چون صاحب تفسیر احسن الحدیث (که از میان استخوانهای سخت و نرم خارج می‌شود)، پاینده (که از میان پشت و دنده‌ها برون می‌شود) و ترجمه تفسیر روشن (خارج می‌شود از بین پشت سخت و نرمیها)، با توجه به اصل معنای لغوی برای واژه «ترائب» از معادل‌هایی چون: دنده‌ها، نرمی‌ها و استخوان نرم و برای واژه «صلب» از معادل‌هایی چون استخوان سخت، پشت سخت استفاده کرده‌اند. این در حالی است که توجه به معنای اصطلاحی نیز از الزامات ترجمه است. یعنی هرگاه بین معنای لغوی و اصطلاحی همخوانی باشد، ارائه یک معنای جامع هر دو معنا باشد، کفایت می‌کند. اما آنگاه که واژه‌ای هم معنای لغوی و هم معنای اصطلاحی داشته باشد، ترجمه باید به گونه‌ای باشد که معنای اصطلاحی را نیز برساند. همچنانکه اصل معنایی واژه «ترائب» به معنای استخوان‌های سینه می‌باشد و ترجمه آن به «سینه» توسط مترجمینی چون آیتی با ارائه ترجمه‌ای چون: «که از میان پشت و سینه بیرون می‌آید»، قمشه‌ای با ترجمه: «که از میان صلب (پدر) و سینه (مادر) بیرون آید»، مخزن العرفان با ترجمه «و بیرون می‌آید از پشت مردان و سینه زنان»، ترجمه طبری با ترجمه «که بیرون می‌آید از میان پشت پدر و سینه مادر»، پورجوادی با ترجمه: «که از پشت و سینه بیرون می‌آید»، تشکری با ترجمه «آفریدش ز آبی آن داور که جهد از میان صدر و کمر»، خواجوی با ترجمه:

«که از میان پشت پدر و سینه مادر بیرون می‌آید» و مکارم با ترجمه ی «آبی که از میان پشت و سینه‌ها خارج می‌شود»، اشتباه است.

### ۲-۳-۱-۳- ارائه اضافات توضیحی نادرست

برخی مترجمان چون آیتی با ارائه ترجمه ای چون: «که از میان پشت و سینه بیرون می‌آید» اشتباهات زیر را مرتکب شده‌اند: وی صلب را به پشت معنا کرده است، در حالی که صلب عام در مرد و زن است و جهت تخصیص می‌بایست حداقل داخل پرانتز کلمه مرد افزوده می‌شد. همچنانکه در ترجمه «ترائب» به «سینه»، بسان احسن الحدیث، به معنای لغوی اکتفاء کرده و از معنای اصطلاحی و تفسیری آن غفلت کرده است؛ چرا که می‌شد این معانی را در قالب توضیحات تفسیری به متن افزود. همچنانکه «ترائب»، نیز معنای عامی دارد «**الترائب جمع تریبه و هی اعلی صدر الإنسان**» (طریحی، ۱۲/۲) و جهت اختصاص آن می‌بایست اضافه توضیحی «زن» به ترجمه می‌افزود (اگرچه نگارنده تطبیق این بخش از آیه به زنان را قبول ندارد، اما طبق مبنای همان مترجم، اشکال روشی وی تذکر داده شده است).

اشتباه دیگر مترجمان معاصر افزودن توضیحات تفسیری نادرست به متن است. به عنوان نمونه اشرفی ترجمه ی «که بیرون می‌آید از میان پشت (پدر) و استخوانهای سینه مادر» را از آیه ارائه کرده است. بدیهی است که بجای اضافه توضیحی «پدر» باید از جنس مرد، سخن به میان می‌آمد. چون آیه در پی بیان مراحل خلقت انسان است و الزاماً این ولادت محصول رابطه عرفی و شرعی پدر و مادر نیست؛ بلکه محصول رابطه ی هر مرد و زنی است؛ به عبارتی افزودن کلمه «پدر و مادر» در ترجمه، نوعی بار ارزشی و شرعی دادن به ترجمه است، که به نظر غیر ضروری است. از این رو ترجمه هایی که بجای اضافه توضیحی «مرد و زن» از اضافه توضیحی «پدر و مادر» استفاده کرده‌اند، با توجه به نکته پیشگفته به نظر اشتباه کرده‌اند (این ترجمه‌ها عبارتند از: بروجردی: «که از میان پشت پدر و استخوان سینه مادران بیرون می‌آید»، کاویان پور: «که از میان صلب پدر و استخوان سینه مادر بیرون می‌آید»، نوبری: «آن منی از بین



### بررسی و نقد ترجمه‌های معاصر از آیات ششم و هفتم سوره طارق ۱۳۹۱۱۱

استخوانهای پشت پدر استخوانهای سینه مادر به وسیله آلت تناسل که در پدر و مادر قرار داده شده خارج شده در رحم مادر به یکدیگر مخلوط گشته از آن انسان متکون و به وجود می‌آید»، صفار زاده: «آبی که از پشت پدر و از بین استخوانهای سینه‌ی مادر بیرون می‌آید، معجد: «ز آبی جهنده که آید بدر / خود از بطن مادر ز صلب پدر»، مصباح زاده: «که بیرون می‌آید از میان پشت (پدر) و استخوانهای سینه مادر»، قمشه‌ای: «که از میان صلب (پدر) و سینه (مادر) بیرون می‌آید»، ترجمه طبری: «که بیرون می‌آید از میان پشت پدر و سینه مادر»، مجتبوی: «که از پشت [پدر] و استخوانهای سینه مادر بیرون می‌آید». در این بین آشفتگی ترجمه حلبی با ترجمه «که بیرون می‌آید از پشت پدر و استخوانهای سینه زن» دو چندان است. زیرا وی برای توضیح «صلب» از کلمه «پدر» و برای توضیح کلمه «ترائب» از کلمه «مادر» استفاده کرده است. در حالیکه یا می‌بایست از زوج «پدر و مادر» و یا «مرد و زن» استفاده می‌کرد. این ناهمگونی ضعفی آشکار در ترجمه به شمار می‌آید که نشان از نداشتن الگویی ثابت و معین در ترجمه است.

به همین منوال است اشتباه ترجمه‌ای تفسیر خسروی که آیه را اینگونه ترجمه کرده است: «(این آب) بیرون می‌آید از صلب مرد (یعنی پشت و کمر مرد) و ترائب زن (که گفته‌اند بین سینه و دو پستان او است) (و از اختلاط این دو آب بچه بوجود می‌آید)». واضح است که اضافات توضیحی که جهت تبیین بیشتر و بهتر آیه ذکر می‌شوند باید درست هم باشند. توضیحی که وی از «ترائب» آورده، با توجه به توضیحات پیشگفته نادرست است.

در اینجا سوال دیگری مطرح می‌شود که چرا اضافه توضیحی پدر داخل پرانتز آمده است، اما اضافه توضیحی مادر، بیرون پرانتز؟ این دوگانگی در روش ترجمه فاقد دلیل موجه است. همچنین است ترجمه مترجمانی چون رهنما با ترجمه «که بیرون می‌آید از پشت (مرد) و استخوانهای سینه زن»، مصباح زاده با ترجمه «که بیرون می‌آید از میان پشت (پدر) و استخوانهای سینه مادر»، مجتبوی با ترجمه «که از پشت [پدر] و استخوانهای سینه مادر بیرون می‌آید» و

مشکینی، که این دوگانگی در تفسیر آنها به چشم می خورد. یعنی واژه مرد یا پدر را در توضیح «صلب» داخل پراتنز آورده اند، اما واژه زن یا مادر را در توضیح «ترائب» بیرون از پراتنز قرار داده اند. پس اگر قرار باشد اضافه توضیحی برای تبیین بیشتر کلمه «صلب» و تخصیص آن به مرد و اضافه توضیحی زن برای تخصیص «ترائب» به جنس مونث آورده شود می بایست داخل پراتنز باشند. از این رو ترجمه های ارفع، اشرفی، انصاریان، برزی، بروجردی، یاسری، دهلوی، کاویان پور، حلبی، خسروی، سراج، نوبری، مجد، فولادوند، مخزن العرفان، خواجوی و ترجمه طبری، فیض الاسلام که این قاعده را رعایت نکرده اند، مرتکب اشتباه شده اند (شکل کامل این ترجمه ها چنین است: (ارفع): «که از پشت مرد و دنده های زن بیرون می آید» / انصاریان: «[آبی که] از صلب مرد و از میان استخوان های سینه زن بیرون می آید» / برزی: «که از بین پشت مرد و استخوان های سینه زن بیرون آید» / بروجردی: «که از میان پشت پدر و استخوان سینه مادران بیرون می آید» / یاسری «که بیرون می آید از پشت مردان و استخوان سینه زنان» / دهلوی «که بر می آید از میان پشت مرد و استخوان سینه زن» / کاویان پور «که از میان صلب پدر و استخوان سینه مادر بیرون می آید» / حلبی «که بیرون می آید از پشت پدر و استخوان های سینه زن» / تفسیر خسروی (این آب) بیرون می آید از صلب مرد (یعنی پشت و کمر مرد) و ترائب زن (که گفته اند بین سینه و دو پستان او است) (و از اختلاط این دو آب بچه بوجود می آید) / سراج «بیرون می آید آن از میان پشت مردان و استخوان های سینه زنان» / نوبری «آن منی از بین استخوان های پشت پدر استخوان های سینه مادر به وسیله آلت تناسل که در پدر و مادر قرار داده شده خارج شده در رحم مادر به یکدیگر مخلوط گشته از آن انسان متکون و به وجود می آید» / صفار زاده آبی که از پشت پدر و از بین استخوان های سینه ی مادر بیرون می آید / مجد «ز آبی جهنده که آید بدر خود از بطن مادر ز صلب پدر» / فولادوند «[که] از صلب مرد و میان استخوان های سینه زن بیرون می آید» / مخزن العرفان «و بیرون می آید از پشت مردان و سینه زنان» / خواجوی «که از میان پشت پدر و سینه مادر بیرون می آید» / فیض الاسلام که آن آب از

### بررسی و نقد ترجمه‌های معاصر از آیات ششم و هفتم سوره طارق ۱۴۱۱۱۱

میان پشت مرد و استخوانهای سینه زن بیرون می‌آید / ترجمه طبری «که بیرون می‌آید از میان پشت پدر و سینه مادر».

همچنانکه مترجمانی چون قمشه ای با ترجمه «که از میان صلب (پدر) و سینه (مادر) بیرون آید» ، مشکینی با ترجمه «که از میان صلب (مرد) و استخوانهای سینه (زن) بیرون می‌آید» و فارسی با ترجمه «که از میان ستون پشت (مرد) و استخوانهای سینه (زن) بیرون می‌آید»، بوده اند که به این نکته توجه کرده و از این حیث که اضافه توضیحی مرد و زن را داخل گروه یا پراتنز آورده اند، دچار اشتباه نشده اند و به این ضابطه ترجمه ای توجه کرده اند.

### ۲-۳-۱-۴- استفاده از معادل های نامناسب

عدم استفاده از معادل های نامناسب در زبان مقصد، اشتباه دیگر برخی از مترجمان است. مترجمان معاصر در ترجمه واژه های «صلب» و «ترائب»، «یخرج» یا از همین واژه های عربی استفاده کرده اند که با وجود معادل مناسب در زبان فارسی امری اشتباه است. و یا اینکه از معادل های نامناسب استفاده کرده اند.

مترجمانی چون قمشه ای، انصاریان، فولادوند، کاویان پور، تفسیر خسروی، مجد و مشکینی در ترجمه فارسی از همان کلمه «صلب» استفاده کرده اند (این ترجمه ها چنین اند: قمشه ای: «که از میان صلب (پدر) و سینه (مادر) بیرون آید، انصاریان: «[آبی که] از صلب مرد و از میان استخوانهای سینه زن بیرون می‌آید»، فولادوند: «[که] از صُلبِ مرد و میان استخوانهای سینه زن بیرون می‌آید»، کاویان پور: «که از میان صلب پدر و استخوان سینه مادر بیرون می‌آید»، تفسیر خسروی: (این آب) بیرون می‌آید از صلب مرد (یعنی پشت و کمر مرد) و ترائب زن (که گفته‌اند بین سینه و دو پستان او است) (و از اختلاط این دو آب بچه بوجود می‌آید)، مجد: «ز آبی جهنده که آید بدر / خود از بطن مادر ز صلب پدر»، مشکینی: «که از میان صلب (مرد) و استخوانهای سینه (زن) بیرون می‌آید». اگر چه در این میان برخی ها پس از استفاده از همان

واژگان زبان مبدا، در ترجمه خود به زبان مقصد، از عبارات توضیحی استفاده کرده اند؛ اما این توضیحات از اشتباه آنان نمی‌کاهد.

مترجمانی چون طالقانی و ترجمه تفسیر خسروی هر دو واژه «صلب» و «ترائب» را عیناً به فارسی نقل کرده اند (این ترجمه‌ها چنین اند: پرتوی از قرآن: «بیرون آید از بین صلب و ترائب» / تفسیر خسروی (این آب) بیرون می‌آید از صلب مرد (یعنی پشت و کمر مرد) و ترائب زن (که گفته‌اند بین سینه و دو پستان او است).

مترجمانی هم در ترجمه فعل «یخرج» از معادل خارج شدن استفاده کرده اند، که با وجود معادل «بیرون شدن» یا «بیرون آمدن» در زبان فارسی، امری اشتباه است. ترجمه‌هایی چون ترجمه تفسیر احسن الحدیث با ارائه ترجمه‌ی «که از میان استخوانهای سخت و نرم خارج می‌شود»، تفسیر روشن با ارائه ترجمه‌ی «خارج می‌شود از بین پشت سخت و نرمیها»، طاهری با ترجمه «که از میان پشت و سینه‌ها خارج می‌شود»، گلی از بوستان خدا با ترجمه «آبی که از میان پشت و سینه‌ها خارج می‌شود»، مکارم شیرازی با ترجمه «آبی که از میان پشت و سینه‌ها خارج می‌شود» و نویری با ترجمه «آن منی از بین استخوانهای پشت پدر استخوانهای سینه مادر به وسیله آلت تناسل که در پدر و مادر قرار داده شده خارج شده در رحم مادر به یکدیگر مخلوط گشته از آن انسان متکون و به وجود می‌آید» مرتکب این اشتباه شده اند. البته ترجمه افرادی چون پاینده با عبارت «برون می‌شود» و معزی با عبارت «برون آید» و عاملی با عبارت «در آمدن» و مجد با عبارت «بدر آمدن» از این فعل، کمی ادیبانه اما درست است (شکل کامل این ترجمه‌ها عبارت است از: پاینده: «که از میان پشت و دنده‌ها برون میشود» / معزی «که برون آید از میان کمر و استخوانهای سینه» / عاملی «که از میان پشت و استخوانهای سینه در آید» / مجد «ز آبی جهنده که آید بدر خود از بطن مادر ز صلب پدر»). اما ترجمه دهلوی و انصاری با عبارت «بر می‌آید» و تشکری با معادل «جهیدن» از فعل «یخرج» نادرست است (شکل کامل این ترجمه‌ها عبارت است از: دهلوی «که بر می‌آید از میان پشت مرد و استخوان سینه زن» / تشکری

بررسی و نقد ترجمه‌های معاصر از آیات ششم و هفتم سوره طارق ۱۴۳۱۱

آفریدش ز آبی آن داور که جهد از میان صدر و کمر» / انصاری «[که] از میان پشت و استخوان سینه بر می‌آید» از این قسم اند.

### ۲-۳-۱-۴- غفلت از رعایت امانت داری

گفته شد که یکی از ضوابط ترجمه رعایت امانت داری است. از مصادیق این امانت داری، ترجمه تمام ارکان جمله مورد ترجمه به زبان مقصد است. از نتایج و الزامات این نکته رعایت دقت در تطبیق دقیق معادل‌ها در زبان مقصد، با اصل آنها در زبان مبدأ است. یکی از آسیب‌هایی که برخی مترجمین در این مقام مرتکب آن شده‌اند، عدم رعایت صیغه‌های مفرد و جمع در ترجمه است. از آنجا که کلمه «صلب» مفرد و کلمه «تراث» جمع است (راغب اصفهانی، ۱۶۵؛ ابن منظور افریقی، ۱/۲۲۷؛ قرشی، ۱/۲۶۸)، رعایت این نکته در ترجمه الزامی است. در این میان مترجمانی چون نوبری و ترجمه تفسیر احسن الحدیث که واژه «صلب» را که مفرد است به صورت جمع و به «استخوان‌های پشت» ترجمه کرده‌اند (ترجمه نوبری «آن منی از بین استخوانهای پشت پدر استخوانهای سینه مادر به وسیله آلت تناسل که در پدر و مادر قرار داده شده خارج شده در رحم مادر به یکدیگر مخلوط گشته از آن انسان متکون و به وجود می‌آید» و احسن الحدیث عبارت «که از میان استخوانهای سخت و نرم خارج می‌شود» است) و مترجمانی چون بروجردی، یاسری، دهلوی، کاویان پور، و انصاری که واژه «تراث» را که جمع است به «استخوان سینه یا صدر» و به صورت مفرد ترجمه کرده‌اند دچار اشتباه شده‌اند (شکل کامل ترجمه این مترجمان چنین است: بروجردی: «که از میان پشت پدر و استخوان سینه مادران بیرون می‌آید»، یاسری «که بیرون می‌آید از پشت مردان و استخوان سینه زنان»، دهلوی «که بر می‌آید از میان پشت مرد و استخوان سینه زن»، کاویان پور «که از میان صلب پدر و استخوان سینه مادر بیرون می‌آید»، انصاری «[که] از میان پشت و استخوان سینه بر می‌آید»). قمشه‌ای نیز که «تراث» را به معنای «سینه» و مفرد ترجمه کرده مرتکب اشتباه شده است. در این بین خطای ترجمه‌های ترجمه بیان السعاده با ترجمه: «که از میانه‌ی پشت و سینه‌ها بیرون

می‌آید، ترجمه جوامع الجامع با ترجمه: «آبی که از میان پشت و سینه‌ها بیرون می‌آید، طاهری با ترجمه: «که از میان پشت و سینه‌ها خارج می‌شود»، گلی از بوستان خدا با ترجمه: «آبی که از میان پشت و سینه‌ها خارج می‌شود»، که «ترائب» را به «سینه‌ها» ترجمه کرده اند دو چندان است؛ زیرا درست است که این کلمه از نظر دستوری جمع است، اما این کلمه به معنای استخوان‌های سینه است و نه سینه‌ها (نک: معنای لغوی و اصطلاحی ترائب).

### ۲-۳-۲- آسیب شناسی علمی ترجمه‌های معاصر

مترجمان معاصر در ترجمه خود از آیات مورد بحث با توجه به پیش فرض‌های لغوی، تفسیری و یافته‌های علمی ترجمه‌های متفاوتی ارائه کرده‌اند. اکثر مترجمان معاصر من جمله ارفع، اشرفی، قمشه‌ای، انصاریان، برزی، بروجردی، خسروی، حلبی، رهنما، سراج، مخزن‌العرفان و ... آیه را ناظر به مرد و زن دانسته و بخشی را ناظر به مرد و بخشی را ناظر به زنان ترجمه کرده‌اند. این ترجمه‌ها عبارتند از:

ارفع: «که از پشت مرد و دنده‌های زن بیرون می‌آید»، اشرفی: «که بیرون می‌آید از میان پشت (پدر) و استخوانهای سینه مادر»، قمشه‌ای: «که از میان صلب (پدر) و سینه (مادر) بیرون می‌آید»، انصاریان: «[آبی که] از صلب مرد و از میان استخوان‌های سینه زن بیرون می‌آید»، برزی: «که از بین پشت مرد و استخوان‌های سینه زن بیرون می‌آید»، بروجردی: «که از میان پشت پدر و استخوان سینه مادران بیرون می‌آید»، حلبی: «که بیرون می‌آید از پشت پدر و استخوان‌های سینه زن»، تفسیر خسروی: (این آب) بیرون می‌آید از صلب مرد (یعنی پشت و کمر مرد) و ترائب زن (که گفته‌اند بین سینه و دو پستان او است) (و از اختلاط این دو آب بچه بوجود می‌آید)، رهنما: «که بیرون می‌آید از پشت (مرد) و استخوان‌های سینه زن»، سراج: «بیرون می‌آید آن از میان پشت مردان و استخوانهای سینه زنان»، مخزن‌العرفان: «و بیرون می‌آید از پشت مردان و سینه زنان»، مصباح زاده: «که بیرون می‌آید از میان پشت (پدر) و استخوانهای سینه مادر»، یاسری: «که بیرون می‌آید از پشت مردان و استخوان سینه زنان»، ترجمه طبری: «که بیرون می‌آید از میان

### بررسی و نقد ترجمه‌های معاصر از آیات ششم و هفتم سوره طارق ۱۴۵

پشت پدر و سینه مادر»، دهلوی: «که بر می آید از میان پشت مرد و استخوان سینه زن»، نوبری: «آن منی از بین استخوانهای پشت پدر استخوانهای سینه مادر به وسیله آلت تناسل که در پدر و مادر قرار داده شده خارج شده در رحم مادر به یکدیگر مخلوط گشته از آن انسان متکون و به وجود می آید»، صفار زاده: «آبی که از پشت پدر و از بین استخوانهای سینه‌ی مادر بیرون می آید، مجد: «ز آبی جهنده که آید بدر خود از بطن مادر ز صلب پدر»، مشکینی: «که از میان صلب (مرد) و استخوان‌های سینه (زن) بیرون می آید»، فولادوند: «[که] از صُلبِ مرد و میان استخوانهای سینه زن بیرون می آید»، کاویان پور: «که از میان صلب پدر و استخوان سینه مادر بیرون می آید»، فیض الاسلام: که آن آب از میان پشت مرد و استخوانهای سینه زن بیرون می آید، فارسی که از میان ستون پشت (مرد) و استخوانهای سینه (زن) بیرون می آید.

برخی هم چون آیتی، احسن الحدیث، گرمارودی، مکارم شیرازی، طاهری، عاملی، انصاری، گلی از بوستان خدا، تشکری، حجه التفاسیر، تفسیر آسان، پورجوادی، ترجمه المیزان، ترجمه بیان السعاده، ترجمه جوامع الجامع، شعرانی، روان جاوید، ترجمه تفسیر روض الجنان و معزی، بدون اینکه آیه را به جنس مونث یا مذکر ربط بدهند، آیه را ترجمه کرده اند.

این ترجمه‌ها عبارتند از: آیتی: «که از میان پشت و سینه بیرون می آید، احسن الحدیث: «که از میان استخوانهای سخت و نرم خارج می شود»، مکارم: «آبی که از میان پشت و سینه‌ها خارج می شود»، گرمارودی: «که از میان (استخوان‌های) پشت و پیش بیرون می آید»، طاهری: «که از میان پشت و سینه‌ها خارج می شود»، عاملی: «که از میان پشت و استخوانهای سینه در آید»، انصاری: «[که] از میان پشت و استخوان سینه بر می آید»، گلی از بوستان خدا: «آبی که از میان پشت و سینه‌ها خارج می شود»، تشکری: «آفریدش ز آبی آن داور که جهد از میان صدر و کمر»، تفسیر آسان: «همان آبی که از میان کمر و استخوانهای سینه بیرون می آید، حجه التفاسیر: «همان آبی که از میان پشت و استخوانهای سینه بیرون می آید، معزی: «که برون آید از میان کمر و استخوانهای سینه»، پورجوادی: «که از پشت و سینه بیرون می آید، ترجمه المیزان: «که از ما بین

استخوانهای پشت و استخوانهای سینه بیرون می‌آید، ترجمه بیان السعاده: «که از میانه‌ی پشت و سینه‌ها بیرون می‌آید، / ترجمه جوامع الجامع: «آبی که از میان پشت و سینه‌ها بیرون می‌آید، / شعرانی» که بیرون می‌آید از میانه پشت و استخوانهای سینه»، روان جاوید: «که بیرون می‌آید از پشت و استخوانهای سینه»، روض الجنان: «که بیرون آید از میان پشت و استخوانهای سینه»؛ که همین عام بودن ترجمه این مترجمان نسبت به ترجمه گروه قبل درست تر است. چرا که این معنای عام، قابلیت بیشتری برای تفسیر کنایی و حمل کردن معنای آیه به یک جنس خاص (در اینجا مذکر) دارد، یعنی سینه و کمر می‌تواند کنایه از کل وجود انسان و در اینجا مردان باشد، همان معنایی که از ظاهر تعبیر علامه طباطبایی به دست می‌آید (نک: طباطبایی، ۲۰ / ۲۶۰)؛ در حالی که ترجمه‌های دسته قبل چون پای جنس مونث را به ترجمه باز کرده‌اند، امکان چنین توجیهی ندارند. همچنانکه ترجمه افرادی چون گرمارودی با ترجمه «که از میان (استخوان‌های) پشت و پیش بیرون می‌آید» نیز علی‌رغم عمومیت خود، قابلیت انطباق با این برداشت تفسیری را دارد. صرف نظر از فقدان اضافات توضیحی و تفسیری، شایان ذکر است که ترجمه گرمارودی بیشترین تطابق و تناسب را با معنای لغوی دارد. ولی از آنجا که عمومیت ترجمه وی ممکن است شائبه ابهام داشته باشد، می‌شد با ذکر اضافات توضیحی داخل پرانتز آیه را به مردان تطبیق داد.

برخی نیز چون: تفسیر روشن با ارائه ترجمه‌ی «خارج می‌شود از بین پشت سخت و نرم‌ها»، احسن الحدیث با ارائه ترجمه‌ی «که از میان استخوانهای سخت و نرم خارج می‌شود» و پاینده با ترجمه: «که از میان پشت و دنده‌ها برون میشود»، با ارائه ترجمه‌ای خاص از آیه، معنای عام تری، حتی نسبت به گروه اخیر از آیه ارائه کرده‌اند، که خود امتیازی نسبت به ترجمه دو گروه قبل تر است.

اما با توجه به نکاتی که در معنا شناسی واژه «ترائب» و نکات تفسیری پیرامون آن گفته شد (نک: ۲ - ۲، معنای لغوی و اصطلاحی ترائب)، این دو آیه هیچ ارتباطی با جنس مونث



### بررسی و نقد ترجمه‌های معاصر از آیات ششم و هفتم سوره طارق ۱۴۷۱۱۱

نداشته و سخن از نقش مرد در فرآیند تکوین جنین و آفرینش انسان‌ها دارند. واضح است که اثبات شئی، نفی ماعدا نمی‌کند. لذا آیه در مقام نفی نقش جنس مونث در پیدایش انسان نیست. بلکه با توجه به شرائط جنسیتی مردان و زنان و قابل رویت بودن نطفه مردان، به خلاف هورمون‌های جنسی زنان و قابلیت تنبه دادن انسان‌ها به منشأ خلقت، به دلیل بی مقدار بودن و بوی نامطبوع داشتن هورمون‌های جنسی مردان (این تنبه اخلاقی در آیات دیگر قرآن و روایات مورد توجه قرار گرفته است.)، آیات مذکور روی این نکته تمرکز کرده‌اند. لذا ترجمه‌هایی چون ترجمه رضایی اصفهانی با ارائه ترجمه‌ی «آبی که از میان پشت و (دو استخوان) پیش (مرد) بیرون می‌آید» که دو آیه را ناظر به مردان ترجمه کرده است، درست تر از سایر ترجمه‌ها هستند.

### نتایج مقاله

آسیب‌های ترجمه‌ای مترجمان پیرامون آیات مدنظر نشان داد که بخشی از این آسیب‌ها در نتیجه کم توجهی و یا عدم دقت به رعایت ضوابط و قواعد ترجمه و فنون آن است، امری که التزام به آن به میزان زیادی از اشتباهات ترجمه‌ای می‌کاهد. بخشی دیگر از اشتباهات ناشی از عدم توجه به داده‌های قطعی علم در تفسیر آیاتی است که یا موضوع سخن در آنها مسئله‌ای علمی است و یا اینکه قابلیت تبیین علمی دارند. عدم توجه به این مسئله زمینه‌ساز بروز اشکالات جدی در ترجمه آیات و ایراد نقد به آیات قرآن است. بنا براین برای ارائه ترجمه درست از آیات قرآن ارائه نکاتی چون ترجمه همه ارکان جمله، استفاده از معادل‌های درست در زبان مقصد، رعایت ساختارهای زبان مقصد، استفاده بجا از اضافات تفسیری و توضیحی داخل پرانتز و عدم دخالت پیش فرض‌های نادرست، الزامی و ضروری است.

## ۱۴۸ // دو فصلنامه مطالعات تمدنی / سال دوازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۶ شماره ۱۱ و ۱۲ ششم

### کتابشناسی

- آیتی، عبدالمحمد. (۱۳۷۴ش). ترجمه قرآن، چ چهارم، تهران: انتشارات سروش.
- ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد. (۱۳۶۷ش). النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، مصحح: طنحاحی، محمود محمد، چ چهارم، قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ابن فارس، أحمد بن فارس. (۱۴۰۴ق). مقاییس اللغة، محقق، هارون، عبد السلام محمد، چ اول، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو. (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم، چ اول، بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمدعلی بیضون.
- ابن منظور افریقی، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب، چ سوم، بیروت: دار صادر.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی. (۱۴۰۸ق). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، تحقیق: دکتر محمد جعفر یاحقی - دکتر محمد مهدی ناصح، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی
- ارفع، سید کاظم. (۱۳۸۱ش). ترجمه قرآن، چ اول، تهران: مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی فیض کاشانی.
- اشرفی تبریزی، محمود. (۱۳۸۰ش). ترجمه قرآن، چ چهاردهم، تهران: انتشارات جاویدان.
- الهی قمشه‌ای، مهدی. (۱۳۸۰ش). ترجمه قرآن، چ دوم، قم: انتشارات فاطمة الزهراء.
- انصاری، مسعود. (۱۳۷۷ش). ترجمه قرآن، چ اول، تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز.
- انصاریان، حسین. (۱۳۸۳ش). ترجمه قرآن، چ اول، قم: انتشارات اسوه.
- بابایی، علی اکبر. (۱۳۹۵ش). قواعد تفسیر قرآن، چ دوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه - سمت.
- بانوی اصفهانی، سیده نصرت امین. (۱۳۶۱ش). مخزن العرفان، تهران: نهضت زنان مسلمان
- برزی، اصغر. (۱۳۸۲ش). ترجمه قرآن، چ اول، تهران: بنیاد قرآن.
- بروجردی، سید محمد ابراهیم. (۱۳۶۶ش). ترجمه قرآن، چ ششم، تهران: انتشارات صدر.
- بحرانی، سید هاشم. (۱۴۱۶ق). البرهان فی تفسیر القرآن، چ اول، تهران: بنیاد بعثت.
- بلاغی، سید عبد الحجت. (۱۳۸۶ق). حجة التفاسیر و بلاغ الاکسیر، قم: انتشارات حکمت
- پاینده، ابوالقاسم. (بی تا). ترجمه قرآن، بی جا.
- پورجوادی، کاظم. (۱۴۱۴ق). ترجمه قرآن، تحقیق: ویراستار بهاء‌الدین خرمشاهی، چ اول، تهران: بنیاد
- دایرة المعارف اسلامی.
- تشکری آرانی، شهاب. (بی تا). ترجمه قرآن، بی جا.

## بررسی و نقد ترجمه‌های معاصر از آیات ششم و نهم سوره طارق ۱۴۹۱۱۱

- جاوید ثقفی تهرانی، محمد. (۱۳۹۸ق). تفسیر روان، چ سوم، تهران: انتشارات برهان.
- جواهری، محمد حسن. (۱۳۸۹ش). درسنامه ترجمه، چ دوم، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حجتی، سید مهدی. (۱۳۸۴ش). گلی از بوستان خدا، چ ششم، قم: انتشارات بخشایش.
- حلبی، علی اصغر. (۱۳۸۰ش). ترجمه قرآن، چ اول، تهران: انتشارات اساطیر.
- خانی، رضا، و دیگران. (۱۳۷۲ش). ترجمه بیان السعادة فی مقامات العبادة، چ اول، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام‌نور.
- خواجه‌جوی، محمد. (۱۴۱۰ق). ترجمه قرآن، چ اول، تهران: انتشارات مولی.
- دهلوی، شاه ولی الله. (۱۴۱۷ق). ترجمه قرآن، تحقیق: عبد الغفور عبد الحق بلوچ و دیگران، چ اول، مدینه: مجمع ملک فهد لطباعة المصحف الشریف.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داودی، چ اول، دمشق، بیروت: دارالعلم الدار الشامیة.
- رجبی، محمود. (۱۳۹۵ش). روش شناسی تفسیر قرآن، چ دوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه - سمت.
- رضایی اصفهانی، محمد علی. (۱۳۹۱ش). آشنایی با اصول و روش های ترجمه قرآن، چ اول، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- همو. (۱۳۸۶ش). منطق ترجمه قرآن، چ اول، قم: انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی.
- رضایی اصفهانی، محمد علی و همکاران. (۱۳۸۳ش). ترجمه قرآن، چ اول، قم: موسسه تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر.
- رهنما، زین العابدین. (۱۳۴۶ش). ترجمه و تفسیر رهنما، تهران: انتشارات کیهان
- زبیدی، تاج العروس. (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس، محقق: علی، هلالی و سیری، علی، چ اول، بیروت: دارالفکر.
- سراج، رضا. (بی تا). ترجمه قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- شعرانی، ابو الحسن. (۱۳۷۴ش). ترجمه قرآن، چ اول، تهران: انتشارات اسلامیة.
- صادق نوبری، عبد المجید. (۱۳۹۶ق). ترجمه قرآن، چ اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات اقبال.
- صاحب بن عباد، إسماعیل بن عباد. (۱۴۱۴ق). المحيط فی اللغة، محقق، آل یاسین، محمد حسن، چ اول، بیروت: عالم الكتاب.
- صدرالمتالهین (صدرا)، محمد بن ابراهیم. (۱۳۶۶ش). تفسیر القرآن الکریم، چ دوم، قم: انتشارات بیدار.

## ۱۵۰ // دو فصلنامه مطالعات تهرانی / سال دوازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۶ شماره چهل و هشتم

صفارزاده، طاهره. (۱۳۸۰ش). ترجمه قرآن، چ دوم، تهران: موسسه فرهنگی جهان رایانه کوثر.  
طیب، سید عبد الحسین. (۱۳۷۸ش). اطیب البیان فی تفسیر القرآن، چ دوم، تهران: انتشارات اسلام.  
طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چ سوم، تهران: انتشارات ناصر خسرو.  
همو. (۱۳۷۷ش). جوامع الجامع، چ اول، انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم. طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن، چ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.

طاهری قزوینی، علی اکبر. (۱۳۸۰ش). ترجمه قرآن، چ اول، تهران: انتشارات قلم.  
طالقانی، سید محمود. (۱۳۶۲ش). پرتوی از قرآن، چ چهارم، تهران: شرکت سهامی انتشار.  
طریحی، فخر الدین. (۱۳۷۵ش). مجمع البحرین، چ سوم، تهران: کتابفروشی مرتضوی.  
طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.  
عاملی، ابراهیم. (۱۳۶۰ش). تفسیر عاملی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: انتشارات صدوق.  
فارسى، جلال الدین. (۱۳۶۹ش). ترجمه قرآن، چ اول، تهران: انجام کتاب.  
فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ق). کتاب العین، چ دوم، قم: انتشارات هجرت.  
فقهی زاده، عبدالهادی. (۱۳۹۵ش). کارگاه روش ترجمه، چ چهارم، تهران: سمت.  
فضل الله، سید محمد حسین. (۱۴۱۹ق). تفسیر من وحی القرآن، چ دوم، بیروت: دارالملاک للطباعة و النشر.

فولادوند، محمد مهدی. (۱۴۱۵ق). ترجمه قرآن، چ اول، تهران: دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی).

فیض الاسلام، سید علی نقی. (۱۳۷۸ش). ترجمه و تفسیر قرآن عظیم، چ اول، تهران: انتشارات فقیه.  
فیض کاشانی، ملا محسن. (۱۴۱۵ق). تفسیر الصافی، تحقیق: حسین اعلمی، چ دوم، تهران: انتشارات الصدر.

فیومی، احمد بن محمد. (بی تا). مصباح المنیر، بی جا.  
قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۷۷ش). تفسیر احسن الحدیث، چ سوم، تهران: بنیاد بعثت.  
همو. (۱۳۷۱ش). قاموس قرآن، چ ششم، تهران: دار الکتب الإسلامیة.  
قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۷ش). تفسیر قمی، تحقیق: سید طیب موسوی جزایری، چ چهارم، قم: دار الکتب.

## بررسی و نقد ترجمه‌های معاصر از آیات ششم و هفتم سوره طارق ۱۵۱۱۱۱

قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا. (۱۳۶۸ش). تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، چ اول، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.

کاویانپور، احمد. (۱۳۷۸ش). ترجمه قرآن، چ سوم، تهران: سازمان چاپ و انتشارات اقبال.

گرمارودی. (۱۳۸۴ش). ترجمه قرآن، چ دوم، تهران: انتشارات قدیانی.

مترجمان. (۱۳۵۶ش). ترجمه تفسیر طبری، تحقیق: حبیب یغمایی، چ دوم، تهران: انتشارات توس.

مترجمان. (۱۳۷۷ش). ترجمه تفسیر جوامع الجامع، چ دوم، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

مشکینی، علی. (۱۳۸۱ش). ترجمه قرآن، چ دوم، قم: الهادی.

مجتبوی، سید جلال الدین. (۱۳۷۱ش). ترجمه قرآن، چ اول، تهران: انتشارات حکمت.

مجدد، امید. (۱۳۸۲ش). ترجمه قرآن، چ شانزدهم، تهران: انتشارات امید مجد.

مصباح زاده، عباس. (۱۳۸۰ش). ترجمه قرآن، چ اول، تهران: سازمان انتشارات بدرقه جاویدان.

مصطفوی، حسن. (۱۳۸۰ش). تفسیر روشن، چ اول، تهران: مرکز نشر کتاب.

همو. (۱۳۶۰ش). التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

معزی، محمد کاظم. (۱۳۷۲ش). ترجمه قرآن، چ اول، قم: انتشارات اسوه.

میرزا خسروانی، علی رضا. (۱۳۹۰ق). تفسیر خسروی، تحقیق: محمد باقر بهبودی، چ اول، تهران: انتشارات اسلامیة.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۳ش). ترجمه قرآن، چ دوم، قم: دار القرآن الکریم.

همو. (۱۳۷۴ش). تفسیر نمونه، چ اول، تهران: دار الکتب الإسلامیة.

نامشخص. (۱۳۸۴ش). ترجمه قرآن (دهم هجری)، تحقیق: دکتر علی رواقی، چ اول، تهران: بی‌نا.

نجفی خمینی، محمد جواد. (۱۳۹۸ق). تفسیر آسان، چ اول، تهران: انتشارات اسلامیة.

موسوی همدانی؛ باقری، سید محمد. (۱۳۷۴ش). ترجمه تفسیر المیزان، چ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.

یاسری، محمود. (۱۴۱۵ق). ترجمه قرآن، چ اول، قم: انتشارات بنیاد فرهنگی امام مهدی (عج).